

مناقشه اتمی،

بن بستى در بن بست!

بودجه سالانه،

ابزاری برای توزیع مجدد در آمد ملی به نفع سرمایه داران

بعد از آن که جمهوری اسلامی روز سه شنبه دهم ژانویه اعلام نمود بخشی از فعالیت های هسته ای خود را که از حدود دو سال پیش به حالت تعلیق در آورده بود، دوباره از سر گرفته است، مناقشه میان رژیم جمهوری اسلامی و طرف های مقابل یعنی امریکا و سه کشور اروپائی آلمان، انگلیس و فرانسه وارد مرحله حادثی شد. به دنبال اعلام این خبر، سه کشور اروپائی بلافاصله واکنش نشان دادند و به منظور اتخاذ یک تصمیم مشترک، روز پنجشنبه ۱۲ ژانویه در برلین تشکیل جلسه دادند.

سه کشور اروپائی در این نشست اعلام کردند که مذاکرات اتمی با جمهوری اسلامی باشکست روبه رفته و به "بن بست" رسیده است. این سه کشور با صدور بیانیه مشترکی، ضمن تاکید بر ضرورت دخالت شورای امنیت، خواستار تشکیل جلسه اضطراری شورای حکام آژانس بین المللی انرژی اتمی شدند، تا این "شورا" به "تخلف" جمهوری اسلامی رسیدگی کند. شایان ذکر است که شورای حکام آژانس بین المللی در آخرین قطعنامه خود، از جمهوری اسلامی خواسته بود به هر نوع فعالیت مرتبط با غنی سازی خاتمه دهد و فوراً مذاکره با اروپائی ها را از سر گیرد.

نشست سه کشور اروپائی و اعلام موضع مشترک آنها، جنجال پراسر و صدائی را در پی داشت. برخی مقامات آمریکائی مانند "دیک چینی" معاون رئیس جمهور امریکا در عین آن که خرسندی خود را از موضع اروپا پنهان نمی کردند، بلافاصله ارجاع پرونده جمهوری اسلامی به شورای امنیت و تحریم اقتصادی آن را به میان کشیدند. در میان برخی محافل دیگر نیز اقدام نظامی به عنوان یک احتمال مطرح شد. "تونى بلر" نخست وزیر انگلیس نیز در پاسخ به این که چه اقدامی باید علیه جمهوری اسلامی در پیش گرفته

در صفحه ۲

اخباری از ایران ۲

احمدی نژاد، رئیس جمهور حکومت اسلامی، روز یکشنبه ۲۵ دی ماه، لایحه بودجه سال ۱۳۸۵ را به مجلس ارتجاع اسلامی ارائه داد. وی در سخنرانی خود به هنگام ارائه لایحه بودجه، به رسم پیشینیان خود، نخست به ابراز کلی بافی هائی در مورد "عدالت محوری" "خدمت رسانی" "تعالی جامعه" پرداخت و سپس گفت بودجه سال آینده در جهت افزایش تولید، کاهش هزینه های غیر ضروری، اعزام نیروی کار

به خارج، واگذاری مؤسسات دولتی به بخش خصوصی، تشویق سرمایه گذاری های خارجی و حمایت از آن، سرمایه گذاری در جهت صنایع زود بازده برای رفع بیکاری، امنیت، توجه به جوانان، ازدواج، مسکن و فرهنگ تنظیم شده است. وی بودجه سال ۸۵ را از حیث منابع و مصارف بالغ بر ۱۹۵ هزار و ۶۷۵ میلیارد تومان اعلام نمود که درمقایسه با در صفحه ۳

جنجال بر سر "جمهوریت" چیزی که وجود ندارد

بیش از شش ماه از انتخابات ریاست جمهوری حکومت اسلامی می گذرد؛ "انتخاباتی" که از قبل روشن بود می بایست فردی از جناح "اصول گرا" را بر مسند ریاست جمهوری بنشانند و قوه مجریه و مجلس و قوه قضائیه را یک دست کند. احمدی نژاد به ریاست جمهوری حکومت اسلامی رسید و خاتمی و "اصلاح طلبان" حکومت دستشان از قوه مجریه کوتاه شد. با

آنکه این امری مربوط به تابستان امسال و بیش از شش ماه پیش است، اما گویا "اصلاح طلبان" هنوز از شوک ناشی از رانده شدن از قدرت خارج نشده اند. در ماه های اولیه توان هرگونه واکنش به اوضاع سیاسی را از دست داده بودند و تلاش های اخیرشان برای عرض اندام در برابر جناح حاکم، بیش از آن که آنها را به

در صفحه ۸

درسی از یک اعتصاب

چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است.

اعتصاب یک روزه ی کارگران شرکت واحد، در دفاع از سندیکای مستقل کارگران و با خواست آزادی همکاران و نمایندگان منتخب خود در سندیکا، حاوی درس بزرگی برای طبقه کارگر و پیشروان کارگری است. بازخوانی درس های این اعتصاب و تاکید بر آن ها، می تواند راهگشای نظری گره گاه اصلی، در پیش روی جنبش رو به رشد طبقه کارگر قرار گیرد.

این اعتصاب نشان داد و بار دیگر بر آن تاکید کرد که تشکل مستقل کارگری چه نقش و اهمیتی در پیش برد مبارزات طبقه کارگر دارد و تا چه اندازه رژیم از شکل گیری چنین تشکل هایی هراس دارد. در عین حال اعتصاب نشان داد که کارگران

در سایه اتحاد، قدرت و نقش خود در سازمان اجتماعی تولید، تا چه حد می توانند خواسته های خود را به حاکمیت تحمیل کنند. خواسته هایی که امروز و در راس آن ها، خواست تشکل مستقل کارگری از اهمیت روز افزونی برخوردار گشته است و در واقع اعتصاب کارگران شرکت واحد، اعتصاب از این نوع است.

این اعتصاب نشان داد که کارگران می توانند در عمل و در سایه ی اتحاد، به تشکل خود موجودیت بخشیده و مقامات جمهوری اسلامی را در حالی که بارها بر غیر قانونی بودن سندیکا و سیاسی بودن اعتصاب کارگران در دفاع از تشکل مستقل خود تاکید کرده بودند، به مذاکره با کارگران و نمایندگان منتخب شان وادار کند.

در صفحه ۶

اخباری از ایران

راهپیمایی کارگران "پوشینه بافت"

بیش از ۳۰۰ کارگر کارخانه "پوشینه بافت" روز ۱۳ دی با انجام راهپیمایی و تجمع در مقابل استانداری قزوین خواستار پرداخت حقوق معوقه خود شدند. ۶۰۰ کارگر پوشینه بافت ۹ ماه حقوق خود را از کارفرما طلبکارند و از اعتراضات متعدد خود تاکنون جز وعده و وعید کارفرما و مسولین حکومتی چیزی شنیده و نتیجه ای نگرفته اند.

تجمع کارگران "صندوق نسوز خرم"

روز ۱۳ دی کارگران کارخانه "صندوق نسوز خرم" بار دیگر و در اعتراض به عدم پرداخت حقوق معوقه خود، در مقابل دفتر مرکزی این کارخانه واقع در تهران تجمع کردند. پیش از این کارفرما قول پرداخت نیمی از حقوق عقب افتاده را داده بود که به دلیل عملی نشدن آن، کارگران بار دیگر دست به اعتراض زدند. در جریان اعتراضات قبلی شورای اسلامی موافقتنامه ای را امضا کرده بود که بر اساس آن کارگران نباید به اعتراضات خود ادامه می دادند. اما کارگران به این موافقتنامه وقعی ننهاندند.

هم چنین روز ۲۶ دی ۱۰۰ نفر از کارگران فوق در محل "بازرسی ویژه دفتر ریاست جمهوری" تجمع اعتراضی برگزار کردند.

اعتراض کارگران اخراجی "پارسیلون"

جمعی از کارگران "پارسیلون" خرم آباد در اعتراض به عدم تمدید قراردادشان از سوی کارفرما و نبود امنیت شغلی همراه با خانواده های شان، روز ۱۳ دی در مقابل استانداری لرستان تجمع کردند.

اعتصاب غذای کارگران "پلی اکریل"

بیش از ۲۵۰۰ کارگر شرکت پلی اکریل در اعتراض به وضعیت معیشتی خود، عدم پرداخت مطالبات خود از سوی کارفرما، عدم رسیدگی به شکایت و اعتراض کارگران از کارفرما در رابطه با فروش مکان های تفریحی کارگران و تبانی و فروش کارخانه به قیمت بسیار پایین به شرکت احیاء فولاد به مدیریت مصطفی صفوی (برادر فرمانده سپاه پاسداران) از تاریخ ۱۱ دی دست به اعتصاب غذا زدند. کارگران اعلام داشتند در صورت عدم رسیدگی به خواسته های شان به اعتصاب ادامه داده و به تجمع در مقابل استانداری اصفهان دست خواهند زد. این اعتصاب چندین روز ادامه داشت.

جمهوری اسلامی برای ادامه مذاکره است. اکبر رفسنجانی یک روز بعد از اعلام موضع سه کشور اروپایی، می گوید در مجمع تشخیص مصلحت تصمیم گرفته شده است که این تهدیدها نادیده گرفته شود. احمدی نژاد، رئیس جمهوری اسلامی با عنوان کردن این که می خواهند از شورای امنیت به عنوان یک "چماق" علیه جمهوری اسلامی استفاده کنند و می گوید که جمهوری اسلامی از این مسئله ترسی ندارد، امانت صریح کرد که در چارچوب NPT عمل خواهد کرد. وزیر خارجه جمهوری اسلامی نیز تهدید نمود که در صورت ارجاع پرونده به شورای امنیت جمهوری اسلامی همکاری خود را به کلی قطع خواهد نمود. رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی رژیم در مجلس نیز ضمن آن که ارجاع پرونده به شورای امنیت را بلا تأثیر خواند، در عین حال مذاکرات را مناسب ترین راه برای رسیدن به تفاهم دانست. نماینده جمهوری اسلامی در مقر آژانس بین المللی اتمی در وین نیز به صراحت اعلام نمود جمهوری اسلامی تصمیم دارد به همکاری کامل با آژانس بین المللی انرژی اتمی ادامه دهد. کوفی عنان در تماس تلفنی از لاریجانی خواست که جمهوری اسلامی از هرگونه اقدامی که موجب وخیم تر شدن اوضاع شود خودداری کند. وی بعد از این گفتگو، خبر داد که جمهوری اسلامی خواستار مذاکرات "جدی و زمان بندی" شده است. علی لاریجانی دبیر شورای عالی امنیت جمهوری اسلامی در گفتگو با CNN ضمن آن که مسئله تحقیقات هسته ای را غیر قابل مذاکره خواند، اما پیشنهاد کرد مذاکرات، بدون شرط و شروط آغاز شود و باینانکه "در جهان سیاست این امکان وجود دارد که مسائل به طریقی حل و فصل شوند که هر دو طرف احساس موقعیت برد- برد رداشته باشند"، تمایل جمهوری اسلامی به سازش و بازگشت برسر میز مذاکره را فرموله کرد و در عین حال تصویری بالنسبه واقعی از موقعیت و توازن بالفعل موجود میان طرف های درگیر در مناقشه را به دست داد.

افزون بر این موضع گیری های پراکنده و غیر رسمی، در بیانیه رسمی وزارت خارجه جمهوری اسلامی نیز بر مذاکرات و بازگشت برسر میز مذاکره تأکید شده است. جمهوری اسلامی در بیانیه ای که دوروز پس از اجلاس برلین سه کشور اروپایی صادر نمود، چنین ادعا کرده است که فعالیت های هسته ای آن تحت نظارت آژانس بین المللی انرژی اتمی است و مسئله غنی سازی اورانیوم نیز کماکان (به طور داوطلبانه) در حال تعلیق است. در این بیانیه جمهوری اسلامی از همکاری خود با آژانس بین المللی برای رفع ابهامات موجود نسبت به برنامه

مناقشه اتمی،

بن بست در بن بست!

شود، گرچه مستقیماً هیچگونه اشاره ای به اقدام نظامی نکرد اما وی در عین حال چنین گفت که "ما هیچ اقدامی را رد نمی کنیم!" معهذاً به رغم این موضع گیری از سوی تونی بلر و به رغم آن که در مناقشه اتمی با جمهوری اسلامی، سه کشور اروپایی بیش از پیش به آمریکا نزدیک شده اند، اما آنها باز هم بر این تلاش اند که مواضع معتدل تری را نمایندگی کنند و خط و مرزهایی میان خود و آمریکا بکشند. برای مثال جک استرو وزیر خارجه انگلیس در زمینه اقدام نظامی به صراحت می گوید، احتمال اقدام نظامی علیه تأسیسات اتمی ایران منتفی است. جک استرو در سخنان خود بلافاصله بعد از اجلاس ۱۲ ژانویه تأکید نمود که مناقشه اتمی ایران رانتهای راه های مسالمت آمیز می توان حل و فصل کرد! و در مورد تحریم اقتصادی جمهوری اسلامی می گوید، من ضرورتاً نمی گویم تحریم در کار خواهد بود بلکه این مسئله را قابل بررسی می دانم. او می گوید "اروپا ترجیح می دهد، شورای امنیت یک باره ایران را مشمول تحریم نکند!"

ژان بپتیست وزیر خارجه فرانسه نیز می گوید "مانیز همانند هماتیان آلمانی و بریتانیایی مان عقیه داریم نقضای تحریم در این مقطع ناپخته است!" افزون بر این ها، سولانا وزیر سیاست خارجی اتحادیه اروپا نیز می گوید مذاکره بیشتر با جمهوری اسلامی منتفی نیست و اروپا آماده است از راه های "دیپلماتیک چندجانبه و صلح آمیز" مسئله را دنبال کند.

به دنبال این موضع گیری ها، سخنگوی وزارت خارجه آمریکا نیز بر یک تصمیم گیری دیپلماتیک جامعه بین المللی تأکید کرد. مک کلان سخنگوی کاخ سفید نیز ضمن طرح این موضوع که هیچ گزینه ای جز ارجاع پرونده به شورای امنیت نیست، اما راه حل نظامی را به کلی منتفی دانسته و می گوید: جرج بوش رئیس جمهور آمریکا اعلام کرده است "ایران عراق نیست!"

موج تبلیغاتی و جنگ روانی حاصله از مجموعه این صحبت ها که رگه هایی از تهدید و ارباب نیز در دل آن به چشم می خورد، جمهوری اسلامی را وادار کرد که هر چه زودتر به اقدام اروپا که اکنون بیش از گذشته خود را به آمریکا نزدیک ساخته و سعی می کند روسیه را نیز به سمت خود بکشاند، پاسخ گوید. پاسخ ها و برخوردهای پراکنده، گرچه گاه واکنشی و یا در ظاهر مبنی بر بی اهمیت جلوه دادن تصمیم اروپاست، درکنه خود اما مؤید کوشش

ابزاری برای توزیع مجدد در آمد ملی به نفع سرمایه داران

سال جاری از رشدی معادل ۲۶/۷ در صد برخوردار است. از این مبلغ، ۶۳ هزار میلیارد تومان، بودجه عمومی با ۲۰/۲ در صد رشد است. مبلغ ۱۳۸ هزار میلیارد تومان نیز بودجه شرکت هاست.

منابع تأمین مخارج بودجه عمومی، معادل ۳۶/۵ میلیارد دلار از درآمد حاصل از نفت، ۱۶۶ هزار میلیارد ریال از طریق اخذ مالیات و مابقی از طریق دیگر درآمدهای دولت، فروش مؤسسات دولتی به مبلغ ۱۶۴۰۰ میلیارد ریال، صدور اوراق قرضه به مبلغ ۸۴۰۰ میلیارد ریال، اخذ وام های خارجی و غیره خواهد بود. رقم ظاهری کسر بودجه، ۱۳۰ هزار میلیارد ریال اعلام شده است. از آن رو این کسر بودجه ظاهری است که همواره بخش بزرگی از کسری های بودجه سالانه مخفی می ماند و منابع درآمدی دولت بخشا تحقق نمی یابد. معهذ این که کسری واقعی بودجه چقدر خواهد بود، تا چه حد منابع تأمین هزینه های دولتی واقعی است، چه تأثیراتی بر افزایش نرخ تورم خواهد گذاشت و مسائلی از این دست، چیزی است که متخصصین اقتصاد بورژوائی وحتا نمایندگان مجلس ارتجاع پیرامون آنها به بحث خواهند پرداخت و سرانجام نیز با کم و زیاد کردن برخی ارقام، به تصویب خواهد رسید. اما آنچه که مورد بحث آنها خواهد بود، ماهیت بودجه، در نظام سرمایه داری به عنوان وسیله بازتوزیع در آمد ملی به نفع طبقه سرمایه دار است.

بودجه سالانه دولتی در ایران بر دویایه اصلی نفت و مالیات استوار است. در طول سال، کارگران صنعت نفت یک ارزش اضافی، حداقل معادل ۵۰ میلیارد دلار می آفرینند. این مبلغ در وهله نخست به دولت تعلق می گیرد که مالک انحصاری منابع نفتی است. اما دولت که نماینده کل طبقه سرمایه دار است، از طریق بودجه های سالانه، این مبلغ را که بخشی از در آمد ملی است، از نو میان طبقات مالک و سرمایه دار توزیع می کند. این توزیع گاه کاملاً مستقیم است، نظیر واگذاری آنها به بخش خصوصی به نام اعتبار. چنان چه در لایحه بودجه سال ۸۵، دو رقم کلان ۸ میلیارد دلاری و ۳ میلیاردی از صندوق ذخیره ارزی به بخش خصوصی اختصاص یافته است. بخش دیگری نیز از طریق اجرای طرح های عمرانی که دولت ظاهراً ادعا می کند صرف رفاه مردم است به آنها واگذار می گردد. فقط این نیست که پروژه های راهسازی، سد سازی، فرودگاه ها، گسترش وسائل حمل و نقل، بنادر، ساختمانها و غیره،

ناشی از نیازهای جامعه سرمایه داری و طبقه سرمایه دار است. بلکه سرمایه داران از طریق سرمایه ای که دولت به پروژه های عمرانی اختصاص می دهد، سودهای کلانی به جیب می زنند.

اما طبقات مالک و سرمایه دار برای حفظ سلطه اقتصادی و سیاسی خود، یک دستگاه عریض و طویل بوروکراتیک- نظامی دولتی را نیز سازماندهی کرده اند، که مخارج هنگفتی دارد. آنها این مخارج را خودشان بر عهده نمی گیرند، بلکه این مخارج را نیز بر عهده مردم کارگر و زحمتکش قرار می دهند. بخشی از مخارج این دستگاه بوروکراتیک- نظامی و سرکوب سلطه سیاسی از طریق همان درآمدهای نفت تأمین می شود. بودجه چندین هزار میلیارد تومانی جاری دولت بخشا از این مبلغ تأمین می شود. بخش بسیار بزرگی از بودجه جاری صرف هزینه های مستقیم سرکوب و تحمیق می شود. در لایحه بودجه سال ۸۵، درحالی که از مجموع دهها مورد هزینه های میلیارد تومانی که به ارگان های سرکوب نظامی اختصاص داده شده است، تنها یک مورد آن تحت عنوان اعتبارات تقویت بنیه نظامی رقمی در حدود ۱۰ هزار میلیارد ریال است، بودجه وزارت آموزش و پرورش و وزارت بهداشت در بخش دستگاه های اجرایی کشور به ترتیب ۵۲۹۱۸۴۸ و ۵۵۱۷۹۲۷۲ میلیارد ریال است. بقیه بودجه عمدتاً به ارگانهای سرکوب نظامی، امنیتی، پلیسی، قضائی و غیره و غیره اختصاص یافته است. در این بودجه صدها میلیارد ریال تحت عنوان بودجه و یا کمک بلاعوض به دهها نهاد رنگارنگ مذهبی اختصاص داده شده است. یعنی نه فقط توده های زحمتکش مردم باید هزینه های دستگاه سرکوب را تأمین کنند، بلکه هزینه های دستگاه تحمیق مذهبی نیز بر عهده آنهاست.

اما نفت، تنها تأمین کننده بخشی از هزینه های دستگاه دولتی وکلا بازتوزیع در آمد ملی است. مالیات ها نیز یک پایه مهم دیگر آن هستند. مالیات را چه کسانی می پردازند؟ اگر عجالتا مالیات غیر مستقیم را کنار بگذاریم، و به مالیات مستقیم بپردازیم، در ظاهر امر باید کسانی پردازند که بیشترین درآمدها را دارند. اما در واقعیت امر، تحت حاکمیت جمهوری اسلامی، کمترین میزان پرداخت مالیات از سوی ثروتمندترین افراد است. این را همه می دانند که جمهوری اسلامی، با توجیه تشویق سرمایه گذاری و ایجاد رونق و اشتغال، معافیت های مالیاتی متعددی را برای سرمایه داران برقرار ساخته

روزشمار شرکت واحد

۱۲ دی - قالیباف در دیدار با اعضای سندیکا، قرار دیدار با کارگران شرکت واحد در استادیوم ۱۲۰۰ نفری سرپوشیده آزادی را می گذارد. این مراسم روز جمعه ۱۲ دی در حالی برگزار می شود که ۱۲ هزار کارگر شرکت واحد در آن شرکت می کنند. در این مراسم کارگران یک صدا خواستار آزادی "منصور اسانلو" دبیر هیات مدیره سندیکا شده و از تشکل مستقل خود دفاع کردند. کارگران هم چنین در شعارهای شان خواستار برکناری مدیرعامل شرکت واحد و رسیدگی به خواسته های شان شدند.

این مراسم در ابتدا قرار بود به دلیل دو شیفت بودن کارگران شرکت واحد در دو نوبت برگزار شود، اما به دلیل حرکت کارگران در مراسم اول، رژیم از برگزار نوبت دوم خودداری کرد. کارگران در این مراسم شعار می دادند: "اعتصاب یادت نره".

۱۷ دی - اتوبوس های شرکت واحد در اعتراض به عدم آزادی منصور اسانلو با چراغ روشن در سطح شهر حرکت کردند. این حرکت اعتراضی که به ویژه در منطقه نازی آباد (محل کار منصور اسانلو) سازماندهی شده بود، با استقبال رانندگان و مسافران روبه رو شد. برخی از اتوبوس ها در یک حرکت خودجوش و بدون برنامه ریزی شده از سوی سندیکا، تراکت هایی را حاوی عکسی از منصور اسانلو بر اتوبوس ها چسبانده بودند. در این تراکت ها نوشته شده بود: "اسانلوی بیگناه آزاد باید گردد - سندیکای مستقل احیاء باید گردد".

۲۳ دی - در این روز ۲۰۰ نفر از اعضای تعاونی مصرف منطقه یک شرکت واحد جهت انتخاب بازرسان شرکت تعاونی به محل تعاونی واقع در میدان رسالت می آیند، اما با ممانعت نیروی انتظامی جهت برگزاری انتخابات روبرو می شوند. این ممانعت منجر به درگیری فیزیکی نیروی انتظامی با کارگران می شود. کارگران به دنبال این اقدام دست به راهپیمایی و اجتماع در محل مرکز منطقه یک شرکت واحد می زنند. در این تظاهرات، کارگران با سردادن شعارهایی خواستار آزادی اسانلو شده و از سندیکای مستقل خود حمایت کردند.

اخباری از ایران

تجمع کارگران "بهپاک"

روز ۱۴ دی جمعی از کارگران روزمزد "بهپاک" بهشهر به علت عدم پرداخت حقوق شان از سوی پیمانکار دست به تجمع اعتراض آمیز زدند. کارگران دو ماه حقوق نگرفته اند و از سوی پیمانکار اقدامی برای بیمه کارگران صورت نگرفته است.

ممانعت از برگزاری مراسم کارگری

روز جمعه ۱۶ دی از سوی انجمن فرهنگی - حمایتی کارگران (آوای کار) مراسمی به مناسبت سالروز انتشار نخستین روزنامه کارگری ایران "حقیقت" تدارک دیده شد. این مراسم که قرار بود در یک مکان خصوصی (تالار) در حوالی خیابان ستارخان برگزار شود، با ممانعت مقامات امنیتی حکومت اسلامی و تحت فشار قراردادادن مدیر تالار برگزار نشد و در حالی که دعوت شدگان در پشت درب بسته ی تالار تجمع کرده بودند، نیروی انتظامی جهت کنترل اوضاع به محل تالار آمد.

راهپیمایی کارگران "سازمایه"

کارگران کارخانه آجرسازی "سازمایه" پاکدشت روز ۱۸ دی در اعتراض به عدم دریافت بیش از ۹ ماه حقوق خود و عملی نشدن قول های کارفرما و مسئولین حکومتی، از محل کارخانه تا مرکز شهر پاکدشت دست به راهپیمایی زدند.

تجمع کارکنان اخراجی شیلات

۱۵۰ نفر از کارکنان شیلات شمال روز ۱۸ دی در اعتراض به اخراج شان از شرکت شیلات، با آمدن به تهران در مقابل مجلس حکومت اسلامی و وزارت جهاد کشاورزی تجمع کردند.

تجمع کارکنان اخراجی شیلات مازندران

۶۵ نفر از کارکنان شیلات مازندران در اعتراض به اخراج خود، روز ۱۸ دی در مقابل درب ورودی شیلات مازندران تحصن کرده و خواستار بازگشت بر سر کار خود شدند.

تجمع کارگران "فرش راوند"

کارگران شرکت فرش راوند کاشان در ادامه ی اعتراضات خود روز ۱۹ دی بار دیگر در مقابل کارخانه دست به تجمع زدند. کارگران خواستار پرداخت ۱۱ ماه حقوق معوقه خود هستند.

اعتراض کارگران "عسلویه"

روز ۲۱ دی جمعی از کارگران میدان گاز پارس جنوبی (عسلویه) در فازهای ۶، ۷ و ۸ در اعتراض به وضعیت غذایی خود دست به تجمع اعتراض آمیز زدند. در اثر خوردن

غذای سلف سرویس یکی از کارگران جهت مداوا به مرکز درمانی منطقه انتقال داده شده بود. پیش از این نیز کارگران اعتراضاتی در رابطه با وضعیت غذایی خود انجام داده بودند که هیچ اقدامی از سوی کارفرما صورت نگرفته بود.

اعتصاب و تجمع کارگران "لامپ الوند"

کارگران شرکت "لامپ الوند" قزوین روز ۲۶ دی و در ادامه تجمعات روزهای قبل، بار دیگر در مقابل کارخانه در اعتراض به عدم دریافت ۵ ماه حقوق خود دست به تجمع زدند. کارگران در اعتصاب بسر برده و هر روز در مقابل کارخانه تجمع می کنند.

"دیوان عدالت!! اداری" و کارگران پیمانی

۲۵۰ کارگر پیمانی معدن مس "سونگون" اهر که از کار اخراج شده بودند پس از ابلاغ رای دیوان فوق در گرفتن حق بیمه بیکاری از کارگران پیمانی، با مشکل دریافت حق بیمه بیکاری روبرو شده اند. این مشکل ۱۷۰۰ کارگر معدن فوق را تهدید می کند که احتمالاً تا پایان سال جاری از کار برکنار خواهند شد.

"هراس من - باری - همه از مردن در سرزمینی ست که مزد گورکن

از بهای آزادی ی آدمی

افزون باشد

(احمد شاملو)

عدم رعایت ایمنی از سوی کارفرما و پایین بودن استانداردهای آن، هر روز باعث قربانی شدن کارگران می شود. در این میان اما چیزی که به آن اهمیت داده نمی شود، زندگی کارگران است. هر روز معدن های ایران از کارگران زحمت کش که به امید حقوقی ناچیز و نان و سفره ای محقر برای همسر و فرزندان شان، برای مادران شان دل به اعماق زمین می زنند، قربانی میگیرد. تاکی باید زنان در انتظار، شاهد قطع شدن دست همسران شان در زیر دستگاه پرس فرسوده کارخانه باشند؟

روز ۱۹ دی ۵ کارگر یک رستوران به دلیل گاز گرفتگی جان خود را از دست دادند و دو روز بعد باز هم ۴ کارگر دیگر در اثر سقوط به حوضچه فاضلاب و گازگرفتگی جان باختند.

در اتفاقی دیگر از شکلی دیگر و اما از همین جنس، یکی از کارکنان شرکت های پیمانکاری طرف قرارداد با شرکت مخابرات، روز ۲۶ دی خود را از بالای ساختمان ۱۵ طبقه مخابرات واقع در خیابان شریعتی به پایین پرت و خودکشی کرد. در جیب وی نامه ای بود که در آن نوشته شده بود: "حقوق ناچیزی که من می گیرم کفاف

زندگی خانواده ام با سه فرزند را نمی دهد". آیا حق این انسان ها از زندگی همین بود؟ خانواده های شان بعد از آن ها چه خواهند کرد؟ آیا قراردادی با کارفرما داشتند؟ آیا بیمه بودند؟ آیا زن و فرزند ان شان بعد از این باید گدایی کنند؟

آیا می دانید فقر در ایران امروز به چه حدی است؟ آیا می دانید بی خانمان ها چه کسانی هستند؟ آیا می دانید روسبی کیست؟ آیا می دانید به برکت نظام اسلامی سن روسبیگری به ۱۳ سال رسیده است؟ آیا می توانید به احساس کسی که تن فروشی می کند نزدیک شوید؟ این ها تنها یک نگاه کوتاه به گوشه ای کوچک از ارمغانی است که حکومت اسلامی سرمایه داران به بار آورده است.

تشدید فشار بر دانشجویان

حکومت اسلامی برای جلوگیری از رشد مبارزات دانشجویان، تشدید فشار و اعمال محدودیت ها را در دستور کار قرار داده است. در ماه های اخیر و با روی کار آمدن دولت "عدالتخواه!!" قدرت بی سابقه ای در دانشگاه ها به حراست اعطا گردید، تا بتواند به عنوان هسته ی مرکزی سرکوب دانشجویان با تمام قدرت وارد عمل شود.

در عین حال سعی شده است با بستن فضای دانشگاه، محیط دانشگاه هر چه بیشتر پلیسی و امنیتی شود. توقیف بی سابقه ی نشریات دانشجویی و فشار بر تشکلات دانشجویان اعم از صنفی، فرهنگی و غیره از دیگر حرکات اخیر محسوب می شود. به تازگی در دانشگاه تربیت معلم واحد پردیس کرج، مقامات دولتی از دوربین الکترونیکی برای کنترل برخی از فضاهای دانشگاه استفاده کرده اند که بی شک جهت اندازه گیری واکنش های دانشجویان است تا بتوانند در سایر دانشگاه ها و حتا خوابگاه های دانشجویی در آینده استفاده از این دوربین ها را معمول کنند.

اقدامات قضایی نیز از دیگر تعمیمات حکومتیان در دانشگاه است. اگرچه از این روش در دولت های قبلی نیز استفاده می شد ولی اخیراً شدت و حدت بی سابقه ای گرفته است. در حالی که از سوئی قوه قضاییه وعده ی آزادی دانشجویان سیاسی زندانی را می دهد (که تاکنون هیچ نشانی از عمل در آن دیده نشده)، احکام جدیدی علیه دانشجویان فعال سیاسی در قوه قضاییه صادر شده است. در عین حال کمیته انضباطی بی محابا دست به تعلیق و محرومیت تحصیلی دانشجویان به خاطر ابراز عقاید شان و فعالیت های سیاسی زده است.

این اقدامات در حالی صورت می گیرد که دانشجویان با شناخت دقیق تر از حاکمیت و طرد هر گونه تشکل دولتی و نیمه دولتی در دانشگاه ها، حرکات مستقل، رادیکال و آزادی خواهانه ی خود را شدت بخشیده اند.

مناقشه اتمی،

بن بست در بن بست!

های هسته ای خود سخن گفته و اعلام نموده است که کماکان آماده است چنانچه ابهامات دیگری در این زمینه وجود داشته باشد در جهت رفع و روشن کردن آن در چارچوب ضوابط و مقررات بین المللی با آژانس همکاری کند. وزارت خارجه جمهوری اسلامی در عین حال طرف های اروپائی و سایر طرف ها را به حفظ آرامش و خارج نشدن از مسیر منطق و بازگشت به فرایند مذاکره و شیوه های تفاهم آمیز عاری از تهدید و فشار فراخوانده است و سرانجام در پایان بیانیه به این مسئله نیز اشاره شده است که اجلاس اضطراری شورای حکام آژانس بین المللی، به موضوع کمی نخواهد کرد، بلکه فرایند دیپلماسی مبتنی بر مفاهمه و همکاری را نیز به بن بست می کشاند!

چه خواهد شد؟

بر خلاف میل جمهوری اسلامی، سه کشور اروپائی عجلتا مصمم اند بعد از برگزاری یک جلسه مقدماتی با شرکت پنج عضو دائمی شورای امنیت، اجلاس اضطراری شورای حکام آژانس بین المللی انرژی اتمی را برگزار نمایند. "شورای حکام" در مورد پرونده اتمی جمهوری اسلامی و این که آیا این پرونده به شورای امنیت ارجاع داده شود یا نه، تصمیم خواهد گرفت. البته ترکیب اعضای "شورای حکام" و عملکرد آن همان طور که پیش از این نیز به اثبات رسیده در قطعنامه سپتامبر ۲۰۰۵ این آژانس علیه جمهوری اسلامی نیز انعکاس یافت، مطلقا به زیان جمهوری اسلامی است. اگر تلاش و اصرار رژیم جمهوری اسلامی برای مذاکره، پیش از برگزاری اجلاس شورای حکام و ارجاع احتمالی پرونده به شورای امنیت به جایی نرسد و زد و بندهای پشت پرده نیز کارساز نیافتد، اتخاذ تصمیم نهائی به شورای امنیت واگذار می شود. با این همه به رغم هیاهو و غوغائی که برسر این موضوع به راه افتاده و یا به راه انداخته شده است، از هم اکنون روشن است که این شورا بسیار بعید است که در لحظه کنونی بخواهد و یا بتواند تصمیم حادی در مورد جمهوری اسلامی اتخاذ کند.

حمله نظامی در لحظه فعلی، به کلی منتفی است. نه فقط از این بابت که "ایران، عراق نیست"، حتی اگر ایران عراق هم بود، اما نه آمریکا، آمریکای چند سال پیش است و نه شرایط منطقه در وضعیت شرایط مشابه یورش آمریکا به عراق است. بنابراین یورش نظامی آمریکا به جمهوری اسلامی

منتفی است. حنا زدن مراکز اتمی و تأسیسات نظامی جمهوری اسلامی رانیز سران کشورهای اروپائی منتفی اعلام کرده اند. چنانچه آرای چین و روسیه را هم در شورای امنیت در نظر نگیریم، نه آمریکا در شرایط کنونی از چنان موقعیتی برخوردار است که جبهه جدیدی رادر منطقه علیه خود بگشاید، و نه تضاد منافع کشورهای اروپائی با آمریکا چنین اجازه ای را به این کشورها می دهد که وارد چنین فازی شوند. چرا که در پرتو چنین سیاستی همانطور که تجربه عراق نیز نشان داد، منافع اقتصادی و سیاسی فعلی این کشورها به مخاطره می افتد.

در شرایط کنونی حنا اتخاذ سیاستی مبتنی بر یک تحریم اقتصادی جدی نیز بعید به نظر می رسد. هنوز که صحبت از تحریم اقتصادی در بین نیست، صرف بالا گرفتن مناقشه اتمی جمهوری اسلامی بااروپا و آمریکا، موجب افزایش بهاء نفت شده که تأثیرات خود را نیز در بازار بین المللی بر جای نهاده است. نباید فراموش کرد که با تحریم اقتصادی، اروپا و آمریکا عملا خود را از یک منبع حیاتی سوخت و انرژی محروم می سازند. بنابراین در تحریم اقتصادی جمهوری اسلامی به جز آمریکا که زیان کمتری را متحمل می شود، آلمان و چهار عضو دائمی دیگر شورای امنیت یعنی فرانسه، انگلیس، روسیه و چین که در حال حاضر با جمهوری اسلامی روابط اقتصادی و تجاری گسترده ای دارند، زیان های قابل توجهی را باید متحمل شوند. بنابراین روشن است که در شرایط کنونی بسیار بعید است که این کشورها بخواهند وارد چنین فازی شوند. این موضوع در سخنان وزرای خارجه سه کشور اروپائی نیز کم و بیش انعکاس داشت و یک تحریم اقتصادی جدی فعلا منتفی است.

باید در نظر داشت که شورای امنیت در حال حاضر دارای ۱۵ عضو است. در این "شورا" تصویب هر قطعنامه ای مستلزم رأی موافق ۹ عضو ۱۵ عضو شورا و عدم مخالفت ۵ عضو دائمی آن یعنی آمریکا، فرانسه، انگلیس، روسیه و چین است. ضمن این که هر یک از اعضای دائمی شورای امنیت، از این حق برخوردارند که قطعنامه های پیشنهادی را وتو کنند.

چرخش اروپا به سمت سخت گیری بیشتر و به سمت آمریکا، تنها می تواند ندامت بیشتر آمریکا بعد از تجربه عراق- به سمت اروپا همراه باشد. از سوی دیگر کوشش های اروپا و آمریکا برای کشاندن روسیه به سمت خود و یا دست کم پیشبرد بخشی از سیاست های خود از طریق این تسمه نقاله، به نظر نمی رسد کارساز و قرین موفقیت گردد. گرچه امروز چنین تبلیغ می شود که لحن مقامات روسی در مورد جمهوری

اسلامی تغییر کرده است و به اظهارات مقامات اروپائی مشابهت بیشتری یافته است، اما بورژوازی امپریالیستی روسیه نیز آنقدر ها خام و ساده نیست که از مقاصد نهائی آمریکا و رقیبای اروپائی خود از پرتاب توپ به زمین روسیه غافل باشد. بنابراین فشار بر روسیه برای پیوستن به غرب و هماهنگ شدن با انگلیس و آمریکا و فرانسه در شورای امنیت، بسیار بعید است نتایج مثبتی در پی داشته باشد. این موضوع در مورد چین نیز بسی مشکل تر و بعید تر می نماید.

چه راهی باقی میماند؟

تمامی شواهد حاکی از آن است که اروپا و آمریکا به رغم تمامی جنجال های تبلیغاتی خود، در صدد آن هستند که شمار بیشتری از کشورها را با خود همراه نموده و با جلب حمایت آن ها، جمهوری اسلامی را تحت فشار های دیپلماتیک قرار دهند و آن را برای کسب امتیاز، پای میز مذاکره بکشانند. آنجلا مرکل صدر اعظم آلمان در دیدار با بوش می گوید لازم است اروپا و آمریکا برای اتخاذ موضعی واحد تلاش کنند و بکوشند تا حداقل یک کشور های بیشتری را به حمایت از موضع خود ترغیب کنند. بوش می گوید "دنیا باید پیام مشترکی به مقامات ایران بفرستد و بگوید که رفتارشان غیر قابل قبول است."

در مناقشه اتمی میان جمهوری اسلامی با اروپا و آمریکا مواضع اعلام شده، گرچه رگه هایی از تهدید و ارعاب و توسل به راه های غیر دیپلماتیک نیز دیده می شود، اما ثقل آن باز هم بر محور مذاکره و دیپلماسی می چرخد. حنا فراخوان جلسه اضطراری شورای حکام آژانس بین المللی انرژی اتمی و یا ارجاع پرونده به شورای امنیت نیز تغییری اساسی در این زمینه ایجاد نمی کند. این موضوع بیان گر آن است که "مذاکره" به رغم ادعای بن بست آن، ظاهرا هنوز به بن بست نرسیده است؟! معهذ اگر هم مذاکرات فیما بین مرتجعین به بن بست رسیده باشد، توازن موجود به نحوی است که طرفین معادله در لحظه کنونی گزینه دیگری ندارند و به جایی رسیده اند که برای برون رفت از بن بست، باز هم راهی جز توسل به همان مذاکره ای به بن بست افتاده ندارند. بن بست در بن بست!

کمک های مالی

کانادا

نقیسه ناصری ۱۰ دلار
ستاره ۲۰ دلار
لاکومه ۵۰ دلار

درسی از یک اعتصاب

امروز طبقه کارگر بیش از پیش به اهمیت تشکل‌های مستقل کارگری و نقش آن‌ها در راستای مبارزات خود پی برده است. در سال‌های اخیر اعتراضات کارگری از شدت بی سابقه‌ای برخوردار بوده است؛ اما در این میان، اعتراضات شان از سوی دولت و کارفرما اغلب بدون پاسخ مانده؛ علت اصلی اما، پراکندگی در صفوف طبقه کارگر و عدم تشکل‌یابی این طبقه در تشکلات مستقلی است که بتواند این مبارزات را سازماندهی کرده و رهبری نماید.

در دهه‌ی ۶۰ و حتی پیش از آن، حکومت اسلامی با سرکوب تشکلات مستقل کارگری و اخراج و در بند کشیدن کارگران آگاه و پیشرو و حتا اعدام و ترور آن‌ها، شوراهای اسلامی را با مرکزیت خانه کارگر (که با بیرون راندن کارگران پیشرو به دست نیروهای ارتجاعی و ضد کارگری افتاده بود) به عنوان تشکلی فرمایشی، جایگزین تشکلات مستقل کارگری کرد و هرگونه تلاش جهت ایجاد تشکل مستقل کارگری را سرکوب نمود.

با رشد مبارزه طبقاتی، و به ویژه رشد مبارزات کارگری در سال‌های اخیر، موضوع تشکل مستقل بیش از پیش در مرکز توجه قرار گرفته است. اما ایجاد تشکل مستقل تنها اولین گام و البته گامی ضروری در این مرحله است. گام بعدی در این جا حفظ این تشکل و گسترش اتحاد طبقه کارگر است. باید مد نظر داشته باشیم که حاکمیت مانع اصلی در اتحاد طبقه کارگر و همین‌طور اتحاد طبقه کارگر با سایر زحمتکشان و گروه‌های اجتماعی است و کابوس بزرگ حاکمیت از این اتحاد است.

حمایت از مبارزات کارگران یک واحد و خواسته‌های آنان، توسط کارگران سایر واحدها و همین‌طور سایر زحمتکشان و گروه‌های اجتماعی به این مبارزات نیرویی دوچندان می‌بخشد. در جریان اعتصاب کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی و حوادث قبل و بعد از آن ما شاهد بروز ظلیعه‌هایی از چنین حمایت‌هایی بودیم. حمایت‌های جمعی از کارگران، دانشجویان، کانون نویسندگان، مسافران اتوبوس‌ها و همین‌طور حمایت تشکل‌های کارگری از سایر نقاط جهان، یک نقطه قوت برای این اعتصاب بود.

امروز و در شرایط کنونی حمایت از تشکل‌های مستقل به یک امر قطعی تبدیل شده است. تشکل‌های مستقل کارگران، معلمان، دانشجویان و غیره با حمایت از خواست تشکل مستقل از یک خواست عمومی دفاع کرده و مبارزه برای آن را به مبارزه‌ای همگانی تبدیل خواهند کرد.

سال‌های حکومت اسلامی و تجربه‌ی سال‌ها مبارزه کارگران برای رسیدن به حداقل خواسته‌های خود، نشان می‌دهد که کارگران وقتی می‌توانند قدرت خود را در برابر حاکمیت و کارفرما بروز دهند که دارای تشکل مستقل و منتخب خود باشند. در این میان هر قدر این تشکل گسترده‌تر و وسیع‌تر باشد و حمایت دیگر کارگران و اقشار و گروه‌های اجتماعی را به خود جلب کند، قدرتمندتر خواهد شد.

مبارزه برای تشکل مستقل،

صنفی یا سیاسی؟

حکومت اسلامی سعی دارد با طرح کردن این موضوع که "خواست ایجاد تشکل مستقل" یک "حرکت سیاسی" است و با "تابو" سازی از "مبارزه سیاسی"، کارگران را از عواقب مبارزه شان بترساند. در این میان برخی از فعالان کارگری نیز ناخواسته با توهم آفرینی به شکل‌گیری هر چه بیشتر این "تابو" یاری می‌رسانند. اما آیا به راستی مبارزه‌ی سیاسی برای طبقه کارگر یک "تابو" است؟ و اساساً مبارزه‌ی سیاسی در حکومت‌های دیکتاتوری هم چون ایران چیست و اشکال آن کدامند؟

در جریان دستگیری اعضا و فعالین سندیکای شرکت واحد، کانون نویسندگان ایران اطلاعیه‌ی در تاریخ دوم دی ماه منتشر ساخت. در این اطلاعیه آمده است: «کانون نویسندگان ایران ضمن فراخواندن هم‌دلی‌ها و هم‌کاری‌های مردم و تشکل‌های مستقل و آزاد و کارگری در ایران و جهان برای نجات جان این فعالان سندیکایی و دفاع از حقوق ایشان برای داشتن تشکل مستقل، هرگونه بازداشت و برخورد با فعالان کارگری و تشکل‌ها را محکوم می‌کند و خواهان آزادی فوری و ادامه‌فعالیت و حق آزادی بیان ایشان است.»

زنده‌یاد محمد جعفر پوپنده نویسنده و مترجم که در زمان حیات‌اش از فعالین بازسازی و راه‌اندازی مجدد کانون نویسندگان ایران بود و به خاطر همین فعالیت‌ها و عقایدش با دستور مقامات حکومت اسلامی ربوده و به قتل رسید، در تابستان ۷۷ مصاحبه‌ای با ماهنامه "فرهنگ توسعه" دارد. این مصاحبه که در واقع آخرین مصاحبه پوپنده با مطبوعات است، بعد از ترور وی در نشریه "آرش" نیز به چاپ رسید.

در طی این مصاحبه، مصاحبه‌گر نشریه "فرهنگ توسعه" که از چیزی به نام "نهاد سرد مدنی" دفاع می‌کند، خطاب به پوپنده می‌گوید: «شما اگر بخواهید اتحادیه‌ای داشته باشید که از این حقوق [منظور مصاحبه‌گر حقوق نویسنده است] دفاع کند دیگر نمی‌تواند علناً بگوید آقا من با اساس اصل ۲۴ قانون اساسی مخالفم. اگر این کار را بکنی باید دو فاکتو خودت را نگه داری. نمی‌توانی خودت را رسمی کنی. نهاد مدنی

باید سرد باشد و رسمی» (ص ۵۷ شماره ۳۵ و ۳۶ فرهنگ توسعه). پوپنده اما در پاسخگویی به این موضوع می‌گوید: «در کشوری که نهادهای دموکراتیک شکل نگرفته‌اند همه چیز سیاسی است یعنی سیاست به شما تحمیل می‌شود، چه خوشتان می‌آید و چه نیاید... شما اگر الان سردترین تجمع نویسندگان ایران را هم بخواهید تشکل دهید اولین مشکلی که با آن روبه‌رو می‌شوید، گرفتن مجوز پیش از چاپ از وزارت ارشاد است. شما به تعبیر خودتان در سردترین اتحادیه‌ی نویسندگان هم با این مشکل روبه‌رو هستید و آن را بدون مخالفت و مبارزه با سانسور و دفاع از آزادی بیان نمی‌توانید حل کنید - یعنی بدون نهادینه شدن آزادی‌های دمکراتیک؛ چون آزادی بیان هم اگر آزادی تجمعات و سایر آزادی‌های سیاسی نباشد ناقص است. تجلی آزادی بیان در آزادی احزاب و تشکل‌ها است. یعنی این مجموعه به هم گره خورده است... نهادهای مدنی باید مستقل از حکومت باشند. حرف من این است حالا اسمش را شما می‌خواهید بگذارید اتحادیه، انجمن، کانون هر چه بگذارید فرقی نمی‌کند» (ص ۵۸، ۵۹ و ۶۰ ماهنامه فوق).

مبارزه برای ایجاد تشکل مستقل کارگری یک مبارزه سیاسی است و طبقه کارگر می‌تواند نقش اساسی خود را در این مبارزه ایفا کند. مبارزه‌ای که در آن طبقه کارگر انگشت بر روی موضوع بسیار مهمی گذاشته و با آن ساختار سیاسی دیکتاتوری حاکم را به چالش کشیده است.

اگر سندیکا و یا هر تشکل مستقل دیگر کارگری بخواهد از حقوق کارگران دفاع کند، حاکمیت هرگز او را به صورت رسمی نمی‌پذیرد، چرا که حاکمیت با اساس پذیرش حق تشکل مستقل مساله دارد. حاکمیت تنها از روی ناچاری حضور این تشکل‌ها را تحمل می‌کند و هر آینه حاکمیت احساس کند که می‌تواند در صفوف کارگران تفرقه انداخته و توازن قوا را به نفع خود به هم زند، در یورش به تشکل‌های مستقل به خود تردید راه نمی‌دهد.

پس این تنها در سایه‌ی هوشیاری، اتحاد و مبارزه‌ی کارگران است که حضور تشکل‌های مستقل به حاکمیت تحمیل می‌شود و هر قدر اتحاد طبقاتی در میان کارگران رشد کند و هر قدر پیوند میان طبقه کارگر و سایر زحمتکشان و گروه‌های اجتماعی تقویت گردد، توان حاکمیت برای سرکوبی این تشکلات مستقل ضعیف‌تر می‌شود.

کارگران نباید در این جا انرژی خود را صرف به رسمیت بخشیدن و قانونی کردن تشکلات مستقل خود از جمله سندیکا کنند، این یک بحث انحرافی است. تشکل مستقل کارگری تنها به نیروی کارگران و در سایه‌ی اتحاد آن‌ها می‌تواند شکل گرفته و به حیات خود ادامه دهد.

است. از این جهت آنها از پرداخت بخش زیادی از مالیاتی که به آنها تعلق می‌گیرد، معاف شده‌اند. یک بخش از مالیاتی را نیز که باید بپردازند، به حساب مخارج تولید و گردش می‌گذارند یعنی آن را به حساب توده های کارگر و زحمتکش می‌گذارند که باید اجناس موردنیاز خود را گران تر بخرند. آخرین راه نیز پرداخت اندکی رشوه به مقامات و مأموران دستگاه فاسد دولتی است. لذا در نهایت آنها کمترین میزان مالیات را پرداخت می‌کنند و بیشترین بخش حتما مالیات مستقیم را مردم کارگر و زحمتکش و اقشار میانی می‌پردازند. بیشترین بخش مالیاتی که دولت به دست می‌آورد، از طریق مالیات های غیر مستقیم است که بخش بسیار عمده آن را کارگران و زحمتکشان می‌پردازند. چون این مالیات غیر مستقیم بر کالاها و خدمات مورد نیاز روزمره توده های مردم بسته می‌شود و افراد ثروتمند که تعدادشان محدود است، رقم کمی از این مالیات را می‌پردازند.

در اینجا، آن چه که به طبقه کارگر ربط پیدا می‌کند، این است که کارگران پس از آن که برای سرمایه دار یک ارزش اضافی آفرینند، و آنچه به آنها تعلق می‌گیرد، دستمزدی است که در بهترین حالت بتوانند، حداقل معیشت خود را تأمین کنند، یک بار دیگر بخشی از این دستمزد تحت عنوان مالیات مستقیم و غیرمستقیم توسط دولت گرفته می‌شود و از طریق بودجه سالانه، از نو میان طبقه سرمایه دار توزیع می‌گردد. روش توزیع مجدد همان است که در مورد نفت به آن اشاره کردیم. تأمین بقیه منابع بودجه دولتی نیز مستقیم و غیر مستقیم در همین چارچوب قرار دارد. از رقمی که تحت عنوان درآمد حاصل از جرائم آمده است، تا واگذاری شرکت ها، قرضه های داخلی و خارجی. روشن است، وقتی که دولت بخشی از منابع بودجه را از طریق قرض از بانکهای داخلی و یا منابع خارجی می‌گیرد، وقتی که اوراق قرضه منتشر می‌کند، در واقع هزینه ای است که از دست رفته و مابه ازائی ندارد. این هزینه نیز برگردیده توده های کارگر و زحمتکش فرار می‌گیرد.

بنابر این ادعاهای عریض و طویلی که هر سال رؤسای جمهوری اسلامی در محسنات بودجه و منابعی که از آن عاید توده مردم می‌گردد، ابراز می‌دارند، جز یک حرف پوچ، چیز دیگری نیست. بودجه دولتی نه می‌تواند درمانی برای اقتصاد بحران زده سرمایه داری ایران باشد و نه اساسا ابزاری برای باز توزیع درآمد ملی به نفع توده های کارگر و زحمتکش. بالعکس بودجه سالانه دولت، وسیله ای است برای توزیع مجدد درآمد ملی به نفع مالکین و سرمایه داران.

ولایت فقیه باشند. اصلاح طلبان حکومت که اکنون به یاد "جمهوریت" نظام اسلامی افتاده اند، در دورانی که خاتمی رئیس جمهور بود، ناگزیر بودند اذعان کنند که رئیس جمهور در سیستم حکومت اسلامی دارای اقتداری نیست. آنها زمانی که اکثریت مجلس ششم راحائز بودند، نتوانستند اصلاحات جزئی وحتا قطره چکانی در قوانین ایجاد کنند. این امر از یک سو ناشی از بزدلی و بی رسالتی این جناح بود که بیش از آن که خواستار تغییری در سیستم موجود باشد، می‌خواست و انمود کند که حکومت اصلاح پذیر است، از سوی دیگر ناشی از سیستم حکومت است که به فرض تصویب اصلاحی جزئی در یکی از قوانین، این اصلاحیه به شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت برخورد می‌کند و بی اثر می‌شود.

یکی از شاخص های جمهوریت، جدائی دین از دولت است، وفاق محض است سیاست مدارانی که یک ربع قرن خشن ترین تلفیق دین و دولت را بر جامعه حاکم کرده اند، از "جمهوریت حکومت اسلامی سخن بگویند. تا آنجا که مسئله به جدال های درونی حکومت مربوط است، جبهه مشارکت اسلامی وسایر گرایشات ورشکسته دوحرداری با "اصول گرایی"، این دو، می‌توانند جنگ قدرت برسر سهم بیشتر از قدرت و منابع کشور را در پشت بحث "جمهوری" و "ولایت" مخفی کنند. از دیدگاه توده مردم مسئله به این شکل است که مرتجعین اسلامی بیش از یک ربع قرن سبانه ترین دیکتاتوری و اختناق را بر ایران حاکم نموده اند. حکومت اسلامی، حکومت ایده های از گور خزیده اسلامی است که می‌بایست پس از سرنگونی رژیم شاه خود را با جامعه بورژوائی تطبیق دهد. جمهوری اسلامی حاصل این تطابق است و خود

از صفحه ۴

اخباری از ایران

تحصن دانشجویی در دانشگاه "علم و صنعت"

جمعی از دانشجویان دانشگاه علم و صنعت تهران در اعتراض به تشدید محدودیت در فعالیت های فرهنگی دانشجویان سه روز دست به تحصن زدند. این تحصن روز ۱۳ دی خاتمه یافت.

استثمار زنان در حکومت اسلامی

زنان در حکومت اسلامی نه تنها به واسطه حاکمیت سرمایه و قوانین ارتجاعی اسلامی، در

سرشار از تناقض و تضاد با واقعیت های جامعه. تناقض جمهوری اسلامی با واقعیت های جامعه، نه تنها جامعه را به قهقرا برده و لطمات جبران ناپذیری به آن وارد ساخته است، بلکه سرمنشاء بحران و تناقضات مداوم در درون خود حکومت بوده است. بحث "ولایت" و "جمهوریت" نظام به قدمت خود حکومت اسلامی است. در هر مقطعی متناسب با شرایط سیاسی داخلی و بین المللی و توازن قوا، سران حکومت با تاکید بر این یا آن جنبه تلاش کرده اند بر اوضاع تسلط یابند و تداوم حاکمیت شان را میسر نمایند. در هر مقطعی این حکومت متناقض، متناسب با نیازهای گرایشات رابه جلوی صحنه رانده است، بدون آن که کوچکترین تغییری درماهیت و عملکرد آن ایجاد شده باشد. دوران هشت ساله جنگ ارتجاعی، ریاست جمهوری خامنه ای، سپس بازسازی به ریاست جمهوری رفسنجانی، پس از آن خاتمی که ریاست جمهوری او به میداناری عوامفریبانی منجر شد که ادعا می‌کردند حکومت از درون قابل اصلاح است. اما گذشت مدت کوتاهی کافی بود تا در درجه اول روشن شود که اونیز مرتجعی از تبار سایرین است و ثانیاً حکومت اسلامی، مادام که اسلامی است، غیر قابل اصلاح است. از نظر توده مردم، جمهوری و حکومت دینی مانع الجمع اند.

توده مردم برای کسب آزادی های فردی و سیاسی، جدائی دین و دولت، اعمال حاکمیت مستقیم توده ای و کسب برابری اجتماعی- مبارزه می‌کنند. مبارزه برای این نوع از جمهوری، هم اکنون در جامعه ایران جاری است و بدون شک جمهوری اسلامی را در تمامیت آن، از مصباح یزدی گرفته، تا کسانی که باز هم می‌خواهند با فریب مردم چهره منفور حکومت اسلامی را آذین کنند، جاروب خواهد کرد.

عرصه های اجتماعی تحت ستم هستند؛ بل که در عرصه کار نیز مجبور به کار کردن در شرایطی هستند که می‌توان آن را با دوران بردگی مقایسه کرد. در این رابطه از جمله می‌توان به کارخانه "فیروز الکترونیک" نیشابور اشاره کرد. در این کارخانه بیش از ۴۰ زن کارگر ماهیانه تنها ۵۰ هزار تومان حقوق می‌گیرند و این در شرایطی است که حداقل حقوق کارگر بیش از ۱۲۰ هزار تومان از سوی حکومت تعیین شده و تازه برخی از عوامل حکومتی در شعار مجبور به طرح حداقل حقوق ۲۵۰ هزار تومان شده اند. کارگران زن این کارخانه برای شروع به کار در این کارخانه مجبور به امضای سفته دو میلیون تومانی شده اند و کارفرما بابت حق بیمه کارگران ۱۰۰ میلیون تومان به "سازمان تأمین اجتماعی" بدهکار است.

جنجال بر سر "جمهوریت" چیزی که وجود ندارد

عنوان یک گرایش سیاسی و فکری در درون جمهوری اسلامی مطرح کند، بیانگر بی رسالتی شان در درون نظامی است که طی ۲۷ سال گذشته نشان داده غیر قابل اصلاح است. نمونه آشکار این تلاش ها، جنجالی است که اخیراً بر سر "جمهوریت" نظام اسلامی به راه انداخته اند.

در پی اظهار نظر مصباح یزدی در مورد رابطه ولایت فقیه و نهادهای به اصطلاح انتخابی حکومت اسلامی از جمله مجلس، ریاست جمهوری، خبرگان و اساساً خود "انتخابات" و ذکر این مسئله که این نهادها در صورتی مشروعیت دارند که منطبق با موازین اسلام و ولایت فقیه باشند، هیاهوی جنجالی در رثای "جمهوریت" نظام، رسانه های خبری و تبلیغی این جناح را فراگرفت. گفتند که جریانی در درون حکومت می خواهد "جمهوریت" نظام را از میان بردارد. هشدار پشت هشدار که چنین گرایش خطرناکی حق مردم را در تصمیم گیری در باره امور کشور مخدوش می کند و به دیکتاتوری می انجامد. محمد رضا خاتمی دبیر جبهه مشارکت اسلامی اعلام کرد: "در حوزه داخلی خطر اصلی که کشور را تهدید می کند، "تجحر" است. . . . شاید در طول تاریخ انقلاب هیچگاه خطر کنونی یعنی تجحر و قدرت شکل نگرفته بود."

این گونه سخنان حقیقتاً به جای آن که اخطاری و اعلام خطری نسبت به تبعات گفتار مصباح یزدی و کردار کابینه احمدی نژاد باشد، تقلا و ورشکستگانی است که گمان می کردند حضور آنها در مجلس و در رأس قوه مجریه، به معنای تقویت جمهوری حکومت اسلامی است و حال آن که از مسند قدرت به پائین پرتاب شده اند، به یاد "جمهوریت" حکومت اسلامی افتاده اند. سخنان مصباح یزدی (که در واپسگرایی روی سایر آخوندهای حوزه های علمیه را سفید کرده است)، حاوی نکته تازه ای نیست و آنچه او در باره رابطه ولایت فقیه و نهادهای به اصطلاح انتخابی حکومت اسلامی می گوید، بیان واقعیت حکومت اسلامی است.

خمینی مرتجع که بر موج انقلاب ۱۳۵۷ ایران سوار شد، حکومت مبتنی بر ولایت فقیه را جایگزین رژیم شاه می دانست. اما در برآمد انقلابی سال ۵۷ و در حالی که توده های مردم به جان آمده از استبداد در سرکوب نظام سلطنتی باخواست آزادی و دمکراسی به پا خاسته بودند، خمینی نتوانست نظام مورد نظر خود را به شکل

کامل برقرار کند. از این رو در قانون اساسی جمهوری اسلامی، حکومت مبتنی بر ولایت فقیه، یعنی حکومت الهی و آسمانی، با ارگانهای جمهوری بورژوائی یعنی پارلمانی ادغام شده و در رأس این حکومت، ولی فقیه قرار گرفت. عملکرد جمهوری اسلامی طی تمام سال هائی که در قدرت بوده، به آشکارترین وجهی نشان می دهد که نهادهای به اصطلاح انتخابی حکومت اسلامی از جمله مجلس، حتا فاقد خصوصیتی هستند که در سایر جوامع بورژوائی از آن برخوردارند. این نهادها، همان گونه که برخی گرایشات درون حکومت به صراحت می گویند، در صورتی مشروعیت دارند که مورد تأیید ولی فقیه باشند.

حال "اصلاح طلبان" که نگران به خطر افتادن "جمهوریت" نظام اسلامی هستند، باید ابتدا نشان دهند این "جمهوریت" در کجاست و چگونه اعمال می شود که حالا به خطر افتاده است. چیزی که وجود ندارد، به خطر هم نمی افتد.

نخستین اصل حتا یک جمهوری بورژوائی، اعلام حاکمیت به نام مردم است و نه خدا، جانشین خدا، فقیه و مقولاتی از این قماش. لذا در اینجا جدائی دین از دولت جزئی جدائی ناپذیر از مقوله جمهوری است. برابری حقوقی افراد، آزادی های فردی و سیاسی، انتخاب آزادانه در همان چارچوب طبقاتی و محدود بورژوائی به همراه نقش پارلمان، مجموعه مختصات آن نظام سیاسی ست که آن را از نهادهای سیاسی دوران فنودالیسم، حاکمیت سلاطین مستبد و فرمانروائی دستگاه مذهبی و کلیسائی قرون وسطا متمایز می سازد.

حال در جائی که حاکمیت متعلق به الله و "جمهوری" اسلامی ست، چه جای صحبتی از جمهوری می تواند در میان باشد. در جمهوری اسلامی آزادی های سیاسی که جای خود دارد، مردم حتا از ابتدائی ترین آزادی های فردی محرومند. مردم حق انتخاب ندارند، چرا که اولاً کاندیداهای انتخابات ریاست جمهوری و مجلس جمهوری اسلامی دست چین شده هستند و ثانیاً پس از برگزاری انتخابات، به شرطی رسمیت می یابند که توسط رهبر به تأیید برسند. ثالثاً در نظام حکومت اسلامی، همه چیز تابع نظر و خواست ولی فقیه است. در این سیستم به فرض این که به احتمال محال، رئیس جمهور و یا اعضای مجلس آزادانه انتخاب شوند، نهاد ریاست جمهوری و مجلس نقشی ندارند و تنها نقش شان این است که تابع

در صفحه ۷

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت) نامه های خود را در دو نسخه جداگانه برای دوستان و آشنایان خود در خارج از کشور ارسال و از آنها بخواهید نامه هایتان را به یکی از آدرس های زیر پست کنند.

K. A. R
Postfach 160531
60068 Frankfurt
Germany
آلمان

I. S. F
P. B. 398
1500 Copenhagen V
Denmark
دانمارک

Sepehry
Postlagernd
3052 Zollikofen
Switzerland
سوئیس

Postbus 23135
1100 DP
Amsterdam Z.O
Holland
هلند

K.Z
P.O.BOX 2488
Vancouver B.C
V6B 3W7 Canada
کانادا

کمک های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آن را به همراه کد مورد نظر به یکی از آدرس های سازمان ارسال کنید.

I. W. A
6932641 Postbank
HOLLAND

شماره های فکس ۰۰۴۴۸۴۵۲۸۰۲۱۹۹
سازمان فداییان ۰۰۴۴۸۷۰۱۳۸۲۵۷۲
(اقلیت) ۰۰۴۴۸۷۰۱۶۸۸۲۷۱

نشانی ما بر روی اینترنت:

<http://www.fadaian-minority.org>

پست الکترونیکی E-Mail:

info@fadaian-minority.org

تلفن روابط عمومی سازمان فدائیان (اقلیت):

۰۰۴۹-۱۷۶-۲۸۰۲۰۸۹۷

KAR

Organization Of Fedaian (Minority)
No 469 januari 2006

سرتگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی